

تحلیل انتقادی کارکردهای اجتماعی دین از دیدگاه منتسکیو*

- محمد سلطانیه^۱
- محمد علی سلیمی^۲

چکیده

منتسکیو از جمله صاحب نظرانی است که تأثیر فراوانی بر سایر اندیشمندان و حتی سیاستمداران گذاشته دارد. او در کتاب خود به نام روح القوانین کارکردهای اجتماعی گوناگونی را برای ادیان برمی‌شمارد. محقق در پژوهش حاضر در پی آن است که با رویکردی انتقادی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به تبیین نظریات منتسکیو بپردازد. برخی از نتایجی که وی در بررسی‌های خود در مورد دین به آنها دست یافته شامل وجود تناسب حکومت معتدل با مذهب مسیح و حکومت استبدادی با حکومت اسلام، مناسبت مذهب کاتولیکی با رژیم سلطنتی و مذهب پروتستان با رژیم جمهوری، لزوم موافقت قوانین اخلاقی با قوانین مذهبی و... است که در متن مقاله بدان‌ها اشاره شده است. آنچه منتسکیو به‌عنوان کارکردهای اجتماعی دین برشمرده است، گویای نگاه تقلیل‌گرایانه و یا ابزارانگارانه او در دو ساحت تقلیل حقیقت دین به کارکرد آن و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰.

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (msm.soltanieh@razavi.ac.ir).

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده

مسئول) (Salimimohammadali1@gmail.com).

تقلیل اهداف متعالی دین به امر دنیایی است. هم چنین به نظر می‌رسد تحلیل او از اسلام، ناقص و بر اساس رفتار حکام و خلفای ظالم در طول دوره‌های اسلامی شکل گرفته است. لازم به ذکر است که جانبداری و مداخله علایق مذهبی در تبیین امور، نیز از جمله انتقادات وارد بر وی است.

واژگان کلیدی: منتسکیو، دین، کارکرد اجتماعی، تحلیل انتقادی.

مقدمه

کتاب روح القوانین از جمله آثاری است که همواره مورد توجه اندیشمندان قرار داشته و بر بسیاری از نظام‌های سیاسی مبتنی بر آرای مردم اثرگذار بوده است. منتسکیو را به عنوان یکی از بنیان‌گذاران علوم انسانی مدرن می‌شناسند. چنان که نظریات او از جمله اصل تفکیک قوا مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و سیاست‌مداران بوده است (مرکز مالکیری، ۱۳۹۴، ۱۵۶). هم چنین نظرات وی در باب ایران شناسی و شرق شناسی مورد توجه بسیاری از مورخین و شرق شناسان قرار گرفته است. اثر گذاری منتسکیو در میان اندیشمندان علوم اجتماعی و هم چنین جایگاه برجسته او در تاریخ گذار حکومت‌ها از استبدادی به جمهوری از علل اهمیت یافتن بررسی نظریات اوست (اسدیان، ۱۳۹۵، ۲۵). هم چنین پذیرش الگوی جمهوری و ترکیب آن با اسلام پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران موجب ضرورت یافتن توجه بیش از پیش به نظریات او در باب دین به عنوان یکی از دو عنصر اصلی در این ترکیب می‌گردد.

منتسکیو در کتاب روح القوانین پدیده‌های اجتماعی متفاوتی از جمله ادیان و آثار و کارکردهای آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. در میان همه پدیده‌های اجتماعی شاید بتوان ادیان را به عنوان یکی از اثرگذارترین پدیده‌ها در میان سایرین در نظر گرفت. آموزه‌ها و دستورات هر یک از ادیان می‌تواند علاوه بر سعادت و یا شقاوت اخروی باعث رشد و یا رکود زندگی مادی پیروان آنها گردد. آنچه ملاک قضاوت منتسکیو در مورد ادیان قرار گرفته است، فارغ از زمینی و یا آسمانی بودن آنها، مزیت‌ها و آثار مطلوبی است که برای زندگی مادی پیروان خود به بار می‌آورند (منتسکیو، ۱۳۲۲: ۶۶۵)، منافع و مضراتی را که ادیان برای انسان‌ها به بار می‌آورند، می‌توان همان کارکردهای

مثبت و منفی آن‌ها در نظام اجتماعی محسوب نمود. کارکرد در نگاه جامعه‌شناسان به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا مجموع نیازهای نظام انجام می‌گیرد (ریتزر، ۲۰۱۷: ۴۳۲). در زمینه کارکرد دین چهار نظریه وجود دارد: اول، برخی معتقدند که دین افیون جامعه است؛ دوم، بعضی بر این باورند که دین در زندگی انسان، هیچ نقشی ندارد؛ سوم، عده‌ای برای دین، نقش حداقلی و فردی قائل هستند، چهارم، متفکران اسلامی، بر این باورند که دین برای انسان در عرصه‌های گوناگون زندگی، اعم از فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی، جسمی و روحی نقش سازنده و کارکرد مثبت و تکامل آفرین دارد (مطهری خواه، ۱۳۹: ۷۹۶).

در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده که با رویکردی انتقادی به مجموع کارکردهای اجتماعی که منتسک‌یو برای هر یک از ادیان بر می‌شمارد پرداخته شود. به عبارت دیگر محقق در پی آن بوده که جایگاه ادیان را در شکل‌گیری نظام‌های اجتماعی و قوانین سیاسی و همچنین رابطه میان آموزه‌های فردی و اجتماعی آنها را از دیدگاه منتسک‌یو بشناسد.

۱- پیشینه پژوهش

در این زمینه کتاب‌ها و مقالاتی چند به رشته تحریر در آمده است که به عنوان نمونه به بخشی از آنها اشاره می‌شود.

(بخشایشی اردستانی، احمد، ۱۳۸۸) (مرکز مالگیری، احمد، ۱۳۹۴)، (شاهینانس، آیدا، زیار، محمد، ۱۳۹۷)، (مقیم، سعید، ۱۳۸۶)، (مطهری خواه، ذبیح، ۱۳۹۴)، (اسدیان، احمد، ۱۳۹۵)، (هاشمی، بهزاد، ۱۳۸۴)، (عشقی، فاطمه، ۱۳۸۹).

۲- پرسش پژوهش

با توجه به موضوع تحقیق، در پژوهش حاضر یک پرسش اصلی وجود دارد. چه انتقاداتی بر کارکردهای اجتماعی دین از دیدگاه منتسک‌یو وارد است؟

۳- روش پژوهش

با توجه به پرسش فوق، مشخص است که پژوهش حاضر، از نوع اکتشافی و انتقادی است. بنابراین، دارای فرضیه خاص نیست. در عین حال، می‌توان چنین نظر داد که تحلیل‌های منتسکیو منطبق بر اسلام اصیل نبوده و کنش‌های حکام بلاد اسلامی را مبنای برخی از تحلیل‌های خود قرار داده است. در بررسی حاضر، تلاش شده است پژوهشی بنیادین با استفاده از روش اکتشافی و رویکرد توصیفی-تحلیلی، با مراجعه مستقیم به اسناد و مراجع دست اول انجام شود. با توصیف داده‌ها و اسناد و تحلیل و مقایسه آنها تلاش شده است نتیجه مطلوب و پذیرفتنی عرضه گردد.

۴- تعریف مفاهیم

۴-۱- تعریف کارکرد

«کارکرد»، ترجمه Function است که در لاتین دارای معانی مختلف از جمله فعالیت سودمند، کار، وظیفه، فایده، انگیزه، غایت، نیت، نیاز، نتیجه، تابع و پیامد است اما جامعه‌شناسان بیش از همه بر سه معنای کار، وظیفه و نقش تأکید دارند (توسلی، ۱۳۷۱: ۲۱۶). کارکرد دین در اصطلاح جامعه‌شناسی شامل خدمات، غایات و اغراض، آثار و تبعات پنهان و آشکار و مقصود و غیر مقصود دین به جامعه است که قوام، بنا و تعادل آن را در پی دارد؛ به عبارت دیگر کارکرد در اصطلاح کارکردگرایی اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارد (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۱۴۲). بنابراین معنای کارکرد در منطق کارکردگرایی اثر یا پیامدی است که یک پدیده بر ثبات، بقا و انسجام نظام اجتماعی می‌گذارد. مقصود از کارکردهای دین در این مقاله، تمامی آثار، خدمات و نقش‌های دین در اجتماع است. به عبارت دیگر مقصود از کارکرد دین، اثر و تحولی است که دین در جامعه ایجاد می‌کند.

۴-۲- تعریف دین

بی تردید این واژه، جزء مفاهیمی است که مورد نقاش و گفتگوی صاحب‌نظران

قرار داشته (محمدنقی مصباح یزدی، ۱۳۶۵، ۲۸) و به همین جهت، تعاریف متنوعی از آن ارائه شده است. حتی حسب نظر برخی، «دین به اندازه‌ای ساده است که هر کسی می‌تواند یک تجربه دینی حقیقی داشته باشد (رابرت ا. هیوم، ۱۳۷۲، ۱۸). دین در لغت به معانی گوناگون مثل جزا، اطاعت، قهر و غلبه، عادت، انقیاد، خضوع، پیروی و مانند آنها آمده است. در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارد که از آنها معنای جزا، شریعت و قانون، طاعت و بندگی استنباط می‌شود (بیوک علیزاده، ۱۳۷۱، ۶۶).

اما معنای اصطلاحی را می‌توان این گونه ذکر که «دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد» (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ۹۵) در اصطلاح جامعه‌شناسی نیز می‌توان این گونه ذکر کرد که دین عبارت است از دسته‌ای همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی که این باورها و عقاید و روش‌های ثابت و غیر قابل تغییر همه کسانی را که پیرو آنها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت متحد می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۳، ۶۳).

۵- نظرات منتسکیو در رابطه با کارکردهای اجتماعی ادیان

منتسکیو در اثر خود نظراتی در رابطه با ادیان و کارکردهای اجتماعی و هم چنین تأیید و یا رد این تأثیرات بیان می‌کند. در این قسمت به بیان تعدادی از نظریات منتسکیو در مورد کارکردهای اجتماعی و جایگاه ادیان در ایجاد ساختارهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جوامع می‌پردازیم:

۵-۱- تناسب حکومت معتدل با مذهب مسیح و حکومت استبدادی با

حکومت اسلام

منتسکیو در مطلبی در مورد تناسب تعالیم دین اسلام و مسیحیت با نوعی از ساختار حکومت و هم چنین نحوه حکمرانی فرمانرایان معتقد به آنها بیان می‌کند: «در مذهب مسیح چون تعدد زوجات ممنوع گردیده سلاطین و زمامدارانی که دارای این مذهب هستند ناچار با ملت خویش زندگانی می‌کنند. یعنی از آنها دوری نمی‌نمایند و به همین جهت بیشتر به احتیاجات جامعه آشنا و از احساسات انسانیت برخوردار هستند

و بالنتیجه تمایل آنها برای مشمول شدن به قوانین زیادتر است. زمامداران و سلاطین اسلامی با خونسردی مردم را به قتل می‌رسانند و از ملت خود دور هستند اما در مذهب مسیح سلاطین با خودسری سبب مرگ مردم نمی‌شوند و چون به واسطه آمیزش با جامعه حجب و حیا آنها زیادتر، خونخواری آنان کمتر می‌باشد. و بالأخره با اینکه مذهب مسیح ظاهراً جز تأمین سعادت جاویدان یعنی سعادت دنیای بعد از مرگ منظور دیگر ندارد، وسائل زندگی این دنیا را نیز فراهم کرده است» (منتسکیو، ۱۳۲۲: ۶۶۹).

۵-۲- نتایج اجتماعی اخلاق مسیحیت و اسلام

منتسکیو در رابطه با نتایج و آثار اجتماعی نظام اخلاقی مسیحیت و اسلام و مقایسه آنها معتقد است که آموزه‌های مسیحی سبب تعدیل اخلاقی و در مقابل آموزه‌های اسلامی سبب غلظت اخلاقی می‌گردد. او در همین رابطه می‌گوید: «هنگامی که به نتایج اخلاقی مذهب مسیح و اسلام بر می‌خوریم، بدون تردید این فکر به خاطر می‌رسد که باید مذهب مسیح را قبول کرد، زیرا مذهب مسیح اخلاق را تعدیل و بر عکس مذهب اسلام باعث تشدید اخلاق می‌شود» (همان، ۶۷۰).

یکی از بدبختی‌های بشر این است که هر فاتحی دیانت خود را بر جامعه مغلوب تحمیل می‌نماید. دیانت اسلام که به زور شمشیر بر مردم تحمیل شده چون اساس آن متکی بر جبر و زور بوده باعث سختی و شدت شده است و اخلاق و روحیات مردم را شدید می‌کند» (همان، ۶۷۰).

۵-۳- مناسبت مذهب کاتولیکی با رژیم سلطنتی و مذهب پروتستان با

رژیم جمهوری

منتسکیو در آرای خود بیان می‌کند که عقاید و افکار موجود در مذهب کاتولیک به دلیل روح تبعدگرایانه موجود در آن تناسب بیشتری با رژیم‌های سلطنتی و اقتدارگرایانه دارد و در مقابل افکار و عقاید مذهب پروتستان به دلیل روح اعتراض گرایانه حاکم بر آن با رژیم جمهوری و تقسیم قدرت موجود در آن تناسب دارد: وقتی دیانتی در کشوری به وجود می‌آید طبعاً با رژیم و طرز حکومت آن کشور مألوف و منطبق می‌شود زیرا مردمی که با آن رژیم آلفت پیدا کرده‌اند اسلوب حکومت دیگری

را نمی‌شناسند. آنها تصور نمی‌کنند که ممکن است رژیم دیگری را هم اختیار کرد. دو قرن قبل از این هم که يك واقعه ناگوار در دیانت مسیح حادث شد و آنرا به دو مذهب کاتولیک و پروتستان قسمت کرد. سکنه نواحی شمالی اروپا مذهب پروتستان را پذیرفتند و سکنه نواحی جنوب که کاتولیکی بودند به همان مذهب باقی ماندند. علتش این بود که سکنه نواحی شمال اروپا دارای روح استقلال هستند و سکنه نواحی جنوبی آن روح را ندارند، به همین جهت مذهبی که ظاهراً دارای رئیس نیست با روحیه آنها موافق‌تر است تا مذهبی مثل کاتولیک که رئیس روحانی مشخصی دارد. حتی در کشورهای پروتستان بوجد آمد بر اثر ایجاد این مذهب شورش‌هایی برپا شد. آن شورش‌ها مطابق رژیم حکومت آنجا ایجاد گردید. لوتر که یکی از پیشوایان پروتستان است در کشورهائی نهضت خود را آغاز کرد که تحت نظر شاهزادگان اداره می‌شد و آنان حاضر به قبول مذهبی که ریاست ظاهری ندارد نبودند به همین جهت لوتر ناچار گردید مذهب خود را متکی به کلمات مسیح نماید و به این طریق قدرت رئیس مشخص و معنوی روی نهضت لوتر سایه افکند. اما کالون یکی دیگر از پیشوایان پروتستان در کشورهائی نهضت خود را آغاز کرد که جمهوری بودند و به همین جهت ممکن بود بدون يك پیشوای مشخصی نهضت را به‌وجود آورند، لذا کالون مذهب خود را متکی به گفته‌های حواریون کرد (همان، ۶۷۳).

۴-۵- آثار موافقت قوانین اخلاقی با قوانین مذهبی در اجتماع

منتسکیو در آثار خود معتقد است که احکام و قوانین مذهبی باید با قوانین اخلاقی منطبق باشد چرا که این انطباق سبب می‌گردد که پیروان آن مذهب رفتارهای اجتماعی مطلوب‌تری نسبت به هم نوعان خود نشان دهند. او در همین راستا بیان می‌کند: «در کشورهایی که مذهب آسمانی وجود ندارد لازم است قوانین مذهبی با قوانین اخلاقی تطبیق شود زیرا مذهب ولو اینکه ناحق باشد بهترین ضامن امانت و درستی انسان می‌باشد. مذهب پگو در هندوستان با اینکه يك مذهب آسمانی نیست ولی این حسن را دارد که با قوانین اخلاقی تطبیق می‌شود و اصول آن عبارت از اینست که مؤمنین هیچکس را به قتل نرسانند و سرقت نکنند و از ناپاکی بپرهیزند و کاری نکنند که

باعث عدم رضایت دیگران شوند. همین اصول اخلاقی سبب شده که این ملت با وجود اینکه فقیر و دارای نخوت است رئوف و ملایم شده و نسبت به تیره بختان ترحم می‌کند» (همان، ۶۷۶).

۵-۵- نتایج و آثار اجتماعی فلسفه رواقیان

منتسکیو معتقد است که یکی از بدبختی‌های نوع بشر محرومیت او از آموزه‌های مکتب فلسفی و اخلاقی رواقیان است. چرا که این پیروان این مکتب، زندگی خود را وقف خدمت به سایرین می‌کنند و همواره از زرق و برق دنیا می‌گریزند و فرمانروایان زیادی با پیروی از آموزه‌های این مکتب برای مردمان خود عدالت را به بار آورده‌اند. او در این رابطه می‌گوید: «در ادوار گذشته مسلك‌های فلسفی چندی در میان افراد بشر پیدا شد که هر يك از آنها را می‌توان به منزله يك مذهب دانست. در میان مسالك فلسفی مختلفی که در ادوار قدیم به وجود آمد، هیچ يك از آنها برای سعادت نوع بشر بهتر و شایسته تر از مسلك فلسفی که زنون آنرا وضع کرد نبود. من اگر يك مسیحی نبودم به جرأت می‌گفتم که از بین رفتن مسلك فلسفی زنون یکی از بدبختی‌های نوع بشر بود. در این مسلك بزرگ، کراهت و نفرت از هیچ چیز وجود نداشت مگر نفرت‌ها و کراهت‌هایی که به ذاته جزء خصائل خوب و فطری بشر است. از قبیل کراهت از عیش و عشرت زیاد و بی‌اعتنائی به درد و رنج و غیره. تنها در بین پیروان این مسالك بود که افراد بزرگی تربیت می‌شد و مردان شریف به وجود می‌آمد و در سایه تعلیمات این مسلك عالی بود که امپراطوران بزرگ و خوبی تربیت می‌شدند. طرفداران مسلك زنون هیچ توجهی به ثروت و عظمت دنیوی و درد و رنج شخصی و عیش و عشرت نداشتند و در عین حال اوقات آنها مصروف این بود که برای سعادت افراد بشر کار کنند و حقوق جامعه را محترم بشمارند. آنها عقیده داشتند که فقط برای جامعه به وجود آمده‌اند و سرنوشت و وظیفه آنها این است که برای جامعه کار کنند و از این کار هیچ منظور نداشتند. یعنی عقیده‌شان این بود که همان کار کردن پاداش زحمت آنهاست و به عبارت دیگر پاداش در خود زحمت و مجاهدت است و هر چه دیگران خوشبخت‌تر باشند خوشبختی آنها زیادتر خواهد شد» (همان، ۶۷۶).

۵-۶- رابطه قوانین مذاهب با شرایط محیطی

یکی از نظریات جنجال برانگیز منتسکیو در رابطه با تأثیر شرایط محیطی بر احکام و قوانین مذاهب است. او عقیده دارد که شرایط محیطی عامل مؤثری در شکل‌گیری و همچنین گسترش مذهبی متناسب با آن شرایط است. او برای اثبات سخن خود تعدادی مثال می‌آورد: «در مذاهب مختلف قوانینی وجود دارد که قوانین محلی است، یعنی با مقتضیات محلی موافق است و ممکن است این قوانین برای نقاط دیگر خوب نباشد. مونته زوما حق داشته که گفته است مذهب اسپانیولی‌ها برای کشور خودشان و مذهب مکزیکی‌ها هم برای کشور خودشان خوب است. مثلاً عقیده تناسخ و اینکه روح انسان بعد از مرگ در بدن حیوان حلول می‌نماید فقط برای آب و هوای هندوستان تناسب دارد و برای اهالی آنجا مفید است زیرا به طوری که برنیه در جلد دوم سیاحت نامه خود می‌نویسد در آنجا شدت حرارت تمام مراتع طبیعی را می‌سوزاند و برای تغذیه چهارپایان علف یافت نمی‌شود و اشخاصی که دارای حشم هستند همواره از به‌دست نیامدن علوفه بیمناک می‌باشند و به‌واسطه کمی مراتع طبیعی تربیت گاو در آن کشور رونقی ندارد و غالباً گاوهای بیچاره تلف می‌شوند.

با رعایت نکات فوق یک قانون مذهبی که به حفظ گاوها کمک نماید برای چنین کشوری خیلی مفید است. ولی در عین حال که مراتع طبیعی به‌واسطه حرارت آفتاب می‌سوزد بر اثر آبیاری و احداث نهرها برنج به مقدار زیاد در هندوستان می‌روید و همچنین بقولات فراوان است. در این صورت یک قانون مذهبی که غذای اهالی را برنج تعیین می‌نماید و توصیه می‌کند که برنج بقولات را زیادتر از اغذی دیگر مصرف کنند، برای چنین کشوری مفید است.

آقای بولن ویلیر در کتابی که به‌عنوان زندگی محمد ﷺ نوشته می‌گوید در کشور عربستان خوک خیلی کمیاب می‌باشد؛ زیرا وسائل تربیت خوک در این کشور موجود نیست و جنگل وجود ندارد که خوک‌ها در آن تربیت شوند و همچنین وسائل تغذیه این حیوان در عربستان موجود نیست. لذا قانونی که خوردن گوشت خوک را در عربستان حرام نموده، مطابق مقتضیات طبیعی می‌باشد؛ به خصوص آنکه اعراب به‌واسطه خوردن آب شور مستعد ابتلای بیماری‌های پوستی هستند و خوردن گوشت خوک

استعداد انسان را برای ابتلای بیماری‌های پوستی زیاد می‌کند. ولی قانونی که خوردن گوشت خوک را در عربستان حرام کرده، برای اغلب نقاط عالم و من جمله کشور چین خوب نیست. زیرا در کشور اخیر گوشت خوک از غذاهای اصلی می‌باشد» (همان، ۶۹۷).

۵-۷- آثار اجتماعی عقیده به تناسخ

عقیده به تناسخ شعبی دارد که منتسکیو راجع به قسمی از آن که در میان مردم هندوستان رواج دارد سخن می‌گوید. آنها معتقد بودند که روح بعد از مردن در بدن موجودی دیگر حلول می‌کند و به حیات خویش ادامه می‌دهد. منتسکیو در رابطه با آثار اجتماعی این پدیده معتقد است: «این عقیده بر حسب اینکه نتایج خوب یا بد از آن گرفته شده در زندگانی اجتماعی بشر تأثیر نیکو یا ناگوار داشته است مثلاً یکی از نتایج نیکوی آن در هندوستان این است که خونریزی را طرف نفرت مردم قرار داده و به همین جهت در آن سرزمین کمتر قتل نفس واقع می‌شود و با اینکه مجازات اعدام در هندوستان وجود ندارد مردم مبادرت به قتل نفس نمی‌نمایند مگر به‌طور اتفاقی. از طرف دیگر نتیجه بدی که از عقیده تناسخ گرفته شده این است که زنان را بعد از مرگ شوهر با جنازه متوفی می‌سوزانند و به این طریق یک موجود بی‌گناه با شکنجه شدید راه دیار عدم را در پیش می‌گیرد» (همان، ۶۸۹).

۵-۸- آثار اجتماعی تفکر و تعمق در اسرار جهان

یکی دیگر از نظرات جنجال برانگیز منتسکیو در مورد نماز خواندن و رابطه آن با امور دنیایی مسلمانان است. او بیان می‌کند از آنجایی که در نماز انسان امور دنیوی را فراموش می‌کند و به تعمق و تفکر در رابطه با امور اخروی می‌پردازد، موجب کاهلی در امور دنیایی و در نتیجه ایجاد مشکل در زندگی انسان می‌گردد. او در همین رابطه می‌گوید: «انسان برای این به وجود آمده است که زندگی کند یعنی غذا تهیه نماید و لباس بپوشد و خود را حفظ کند و وظایف اجتماعی خود را انجام بدهد. بنابراین دیانت او نباید طوری باشد که وی را وادار به فکر و تعمق در اسرار جهان نماید و بالنتیجه او را از زندگی باز دارد. مسلمین چون ناچارند در شبانه روز پنج مرتبه نماز بخوانند و در این

پنج وعده همه چیز زندگی را فراموش کنند و جز در فکر معبود در هیچ فکری نباشند، طبعاً به اسرار جهان و دنیای دیگر فکور بار می‌آیند و نتیجه این می‌شود که نسبت به امور دنیوی زیاد علاقه مند نیستند. حال اگر يك حکومت مستبد هم بر آنها حکومت کند و قوانین مربوط به مالکیت هم طوری نباشد که آنها را نسبت به ملك ذی علاقه نماید، در آن صورت به کلی نسبت به امور دنیا و زندگی بی‌اعتنا خواهند شد. در گذشته دیانت زردشت باعث رونق و سعادت ایران گردید و از آثار ناگوار استبدادی جلوگیری کرد ولی امروزه مذهب اسلام باعث عقب‌افتادگی ایران شده است.

خوبی مذهب از لحاظ زندگی بشری در صحت و سقم عقاید آن نیست بلکه در خوبی و بدی نتایجی است که از آن عقاید گرفته می‌شود. ممکن است صحیح‌ترین و اساسی‌ترین عقاید مذهبی وقتی به صلاح جامعه نبود، نتایج بد داشته و برعکس باطل و مهمل‌ترین عقاید مذهبی دارای نتایج خوب باشد مثلاً از عقیده مذهبی پیامبر چینی کنفوسیوس که منکر بقای روح است و یا عقیده مذهبی زنون مبتکر فلسفه رواقیان نتایجی به‌دست آوردند که به صلاح جامعه بوده است و برعکس از عقاید مذهبی هندی تاو و فوئه که معتقد به بقای روح می‌باشند نتایج بدی گرفته‌اند که به صلاح جامعه نیست. در تمام کشورهای جهان و در تمام ادوار زندگی وقتی بشر عقیده به بقای روح پیدا کرد این عقیده صحیح طوری به صورت بد رایج گردید. یعنی نتایج بد از آن گرفته شد که مردها، زنها، غلامان، رعایا و بیچارگان در صدد خودکشی برآمدند تا در دنیای دیگر به سعادت جاویدان نائل گردند. ببینید چه نتیجه بدی از چه عقیده صحیحی گرفته شده است. در کتب مقدس ایرانیان قدیم نوشته شده اگر می‌خواهید در زمره پاکان باشید فرزندان خود را به خوبی تربیت کنید زیرا تمام اعمال نیکی که از آنها سر می‌زند منسوب به شما خواهد شد و همچنین توصیه شده است که مردم زودتر ازدواج نمایند و فرزند به‌وجود آورند زیرا فرزندان در روز جزا به منزله پلی هستند که شخص می‌تواند از روی آن عبور نموده و به بهشت برود و کسانی که فاقد فرزند می‌باشند پل نخواهند داشت و بالتجربه آنها را به بهشت دسترسی نخواهد بود البته این عقیده صحت نداشت و غلط بود ولی از لحاظ اجتماعی خیلی مفید و سبب می‌شد که مردم به داشتن فرزند و تربیت او علاقمند شوند» (همان، ۶۷۸).

۵-۹- آثار اجتماعی روزه

منتسکیو برای روزه آثاری اجتماعی را بر می‌شمارد. او معتقد است روزه گرفتن زمانی برای جامعه مفید است که افراد به بهانه آن دست از کار نکشند و همچنین باعث نشود که خود را برتر از دیگران ببینند و یا نسبت به نیازمندان حساست بورزند. او در رابطه با روزه می‌گوید: «روزه گرفتن وقتی برای فرد و جامعه مفید است که شارع فکر کار کردن را در مغز مؤمنین جای بدهد. یعنی به آنها بفهماند که روزه گرفتن نایستی وسیله و بهانه تنبلی و کار نکردن باشد و همچنین به آنها بفهماند کسانی که روزه می‌گیرند باید بدانند کار نیکی می‌کنند نه اینکه تصور نمایند کار عجیب و خارق العاده می‌نمایند و از این حیث برخورد بیالند و به علاوه این فکر را در روح مؤمنین جای بدهد که غرض از روزه گرفتن امساک در طعام است و این موضوع نباید وسیله‌ای شود که مردم خسیس و لئیم بشوند» (همان، ۶۷۹).

۶- نقد نظریات منتسکیو در رابطه با کارکردهای اجتماعی ادیان

نظریات اجتماعی منتسکیو در کنار محاسنی که دارد از جمله بدیع بودن و هم چنین استفاده از منابع متعدد، دارای معایبی نیز هست؛ خصوصاً زمانی که به تبیین کارکردهای اجتماعی ادیان می‌پردازد. منتسکیو به شدت متأثر از عصر روشنگری است چرا که در چنین فضا و شرایطی با بهره‌گیری از روش‌های تجربی به مطالعه تطبیقی جوامع، قوانین و حکومت‌ها می‌پردازد (مقیمی، ۱۳۸۶، ۱۰۹) که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۶-۱- تقلیل‌گرایی (نگاه ابزارگری)

مهمترین نقدی که به نظریات منتسکیو وارد می‌گردد این است که دیدگاه او در بحث دین و معنای زندگی ابزارانگارانه است. او تا آنجا پیش می‌رود که حتی حکم روزه را به دلیل ایجاد ضعف در روزه داران و پایین آمدن بهره‌کاری آنها مورد انتقاد قرار می‌دهد. این نوع نگاه به دین حداقل با دو گونه تقلیل‌گرایی پیوند خورده است که در ذیل به هر دو مورد اشاره می‌شود:

۱) تقلیل حقیقت دین به کارکرد و آثار آن

نخستین پیامد نگاه ابزارگرایی به دین، تقلیل حقیقت و جوهر دین به کارکردهای آن است. دلیل این موضوع هم این است که رویکرد ابزارانگاران به دین به دلیل توجه به بیش از اندازه به کارکرد و مزایای دین برای فرد و اجتماع، حقیقت و جوهر دین را نادیده می‌گیرد.

برای روشن شدن این مطلب می‌توان راجع به دو رویکرد حق‌مدارانه و انسان‌مدارانه در مواجهه با دین گفتگو نمود. در رویکرد حق‌مدارانه، انسان‌ها در طلب دستیابی به حقیقت به دین روی می‌آورند. به عبارت دیگر به دنبال تأمین و رفع نیازهای خود از راه پیروی از دین نیستند. در رویکرد دوم، مقصود رعایت احکام و دستورات دین تأمین نیازهای دنیوی انسان‌هاست. یعنی احساس احتیاج و نیاز در انسان سبب می‌گردد که به پیروی از دین اقدام کند.

نگاه انسان‌مدارانه، خود دارای دو نوع است. در صورت نخستین توجه به نیازها و رفع آنها از طریق دین به مثابه پلی برای رسیدن به هدف غایی و حقیقی دین است و فرد دین دار از این مرحله عبور کرده و در پی دستیابی به حقیقت از راه دین خواهد بود. این نوع نگاه پذیرفته شده و صحیح است. در نوع دوم، دین صرفاً به مثابه یک ابزار این جهانی برای رفع نیازها و مرهمی بر آلام او در نظر گرفته می‌شود و هیچ انگیزه حقیقت جویانه‌ای در او یافت نمی‌شود.

کارل یاسپرس در شرح نظریات اسپینوزا این موضوع را مورد نظر قرار می‌دهد که در مقابل دیدگاهی که دین را به مثابه قرارگاه ثابت و حقیقی می‌پذیرد، دیدگاهی وجود دارد که دین را در خدمت اغراض سیاسی و اهداف این جهانی انسان‌ها به کار می‌برد. اسپینوزا بیان می‌دارد که نگاه ابزار گرایی به دین ریشه در تفکر برخی یونانیان دارد؛ چنان که کریتیاس می‌گوید دین را سیاست‌مداران روشن‌بین برای اداره کردن توده مردم، همچون وسیله‌ای برای حفظ قدرت خود ابداع نموده‌اند تا در روح مردمان رخنه نمایند، زیرا تنها از طریق زور ممکن نخواهد بود که بر مردم حکومت کرد (یاسپرس، ۱۳۷۸: ۱۲۳-۱۲۲).

نگاه ابزار انگارانه در آرای جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نیز قابل مشاهده است.

برای نمونه، آگوست کنت جامعه شناس فرانسوی اعتقاد دارد که انسان برای محبوب و موجود برتر واقع شدن و جامعه نیز برای تقدس دادن به قدرت‌های دنیایی به ادیان نیازمندند (آرون، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۵). دورکیم نیز حضور دین را به جهت سودمندی آن برای نظام اخلاقی جامعه و هم چنین ایجاد همبستگی در میان اعضای اجتماع ضروری می‌داند (دورکیم، ۲۰۰۵: ۱۵۹). در نگاه مارکس، دین به مثابه افیون توده‌ها و محصول از خودبیگانگی انسان و ابزاری است برای توجیه بی‌عدالتی‌های اقتصادی و حفظ جایگاه سرمایه داران و توجیه وضعیت موجود (مارکس، ۲۰۰۹: ۲۳۰) هم چنین در دیدگاه فروید دین به عنوان یک امر وهمی از آن جهت مورد نیاز انسان هاست که نوعی تسلی فوق طبیعی برای رنج‌های انسان‌ها ایجاد می‌کند و تجلیات دینی را باید نمونه‌ای از علایم روان رنجوری در افراد دانست (فروید، ۱۹۸۹: ۲۹). وبر از پیشگامان رویکرد کارکردگرایانه در جامعه شناسی در هنگام ارائه پرسشی بر چرایی منشأ و ضرورت دین، از توجیه کارکردی استفاده کرده است. اما او از آن جهت دین را برای جوامع انسانی ضروری می‌داند که کارکرد معنابخشی را برای انسان‌ها ایفا می‌کند (وبر، ۱۹۶۳: ۳۱۲).

بنابراین نظریات منتسکیو با دیدگاه افرادی همچون کنت، دورکیم، مارکس، فروید و وبر در استفاده از تحلیل‌های کارکردگرایانه از دین هیچ گونه تفاوتی ندارد؛ بلکه تفاوت آنها تنها در نوع کارکردهایی است که هر یک از ادیان برای جوامع به بار می‌آورند. نتیجه این نوع رویکرد چیزی جز تغییر در ماهیت و غایت دین و تقلیل آن به یک امر مادی و دنیایی صرف نیست که به تدریج می‌تواند جای خود را به هر ابزار دیگری همانند علم تجربی و غیره بدهد.

۲) تقلیل اهداف متعالی دین به امور مادی

منتسکیو اهداف والای دین را به کارکرد نظم بخشی در جامعه و هم چنین اصلاح رفتارهای دنیوی افراد فروکاسته است. اما از آنجایی که انسان علاوه بر بعد جسمانی دارای بعد روحانی نیز هست، نیازهای او هم به نیازهای جسمانی و روحانی تقسیم می‌گردد و به همین دلیل کارکردهای دین نیز به جسمانی و روحانی و دنیوی و اخروی تقسیم می‌شود.

نگاه انسان‌شناسی منتسکیو و فهم او از چیستی انسان، به شدت بر فهم او از دین و کارکردهای آن تأثیر گذار بوده است. او هدف و مقصود نهایی دین را آگاهانه یا ناآگاهانه مورد غفلت قرار داده و معیار سنجش ادیان را سودمندی آنها برای حیات مادی انسان‌ها بیان نموده است.

قرار دادن دین در کنار سایر مکاتب فلسفی بشری از جمله مکتب رواقی و یا مکتب اخلاقی ملت اوسه، بیانگر این است که اهداف متعالی دین برای منتسکیو موضوعیت چندانی نداشته است. چرا که مکاتب فلسفی رواقی و غیره ابزاری برای حل مسائل دنیوی انسان‌ها و کاهش رنج‌های آنان است. هم‌چنین در اندیشه‌های مونتسکیو بر تضمین منافع اکثریت جامعه و نیز عنصر اجتماعی بودن انسان تأکید فراوان گشته و این دیدگاه به فردیت قائل نبوده و استعدادهای فردی را نادیده انگاشته است (بخشایشی اردستانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

۶-۲- شناخت اسلام از طریق رفتار خلفای جهان اسلام

یکی دیگر از انتقادات وارده به نظریات منتسکیو راجع به دین اسلام را می‌توان به اسلام‌شناسی ناقص او از طریق رفتار بعضی از مسلمانان خصوصاً خلفای عباسی و اموی و حتی عثمانی دانست. هم‌چنین او در زمانی می‌زیست که تقریباً اصلی‌ترین دولت اسلامی که دنیای غرب با آن تعامل داشت امپراتوری عثمانی بود. بنابراین به احتمال فراوان یکی از علل اصلی فهم ناقص او از اسلام، ملاک قرار دادن رفتار پادشاهان ظالم با مردم خویش در ادوار اسلامی بوده است. علی‌اکبر مهدی در ترجمه خود از کتاب روح القوانین آورده است: «تصور می‌کنم مؤلف، مذهب اسلام را از روی اعمال بعضی از خلفای عباسی با اموی با بعضی سلاطین مغول مسلمان قضاوت کرده است. ولی باید دانست حقیقت اسلام غیر از این است که او از رفتار بعضی از فرمانروایان استخراج کرده است. اسلام در بدو امر یک مساوات و یک دموکراسی حقیقی را در مد نظر داشته و ترویج می‌کرده است و اگر به جزئیات دستورات و تعالیم مذهبی و اخلاقی اسلام دقیق توجه شود ثابت می‌گردد اصول تعدیل اخلاق و تهذیب و تزکیه نفس و رأفت و ملایمت و مذمت از ظلم و ستمگری در خلال تمام آنها آشکار

است. محمد ﷺ پیغمبر اسلام صریحا فرموده: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» برای تکمیل فضایل اخلاقی آمده‌ام. در همه جا صحبت او از برابری و برادری و مساوات و آزادی عدالت و انصاف می‌باشد و به همه کس درس نیکوکاری و تقوی می‌دهد. عادات مذموم و امتیازات بیجا که بر اقوام عرب حکومت می‌کرد و ناشی از جهل بود را منع و مذمت می‌فرمود. او می‌فرمود اگر مسلمانی از حال همسایه و برادر دینی خود بی‌خبر باشد و در شدائد آن کمک و مساعدت ننماید گناه کرده است. حقیقت جمهوری و دموکراسی و آزادی اجتماعی از تعلیمات قرآن آشکار است» (منتسکیو، ۱۳۲۲: ۶۷۱).

نحوه تعامل حکومت‌ها در سراسر جهان با ادیان در بیشتر موارد سوء استفاده از جایگاه ادیان در میان مردم برای دست‌یابی به مشروعیت و انقیاد مردم از حکومت خود بوده است. همان‌گونه که مترجم کتاب آورده است: «در اعصار گذشته وقتی دیانتی در ناحیه و کشوری به‌وجود می‌آمد طبعا با رژیم و حکومت آن منطقه رفته رفته مألوف می‌گردید. یعنی یکی از دیگری برای پیشرفت مقاصد خود تبعیت می‌نمودند بدین ترتیب حکومت مروج مذهب می‌شد و بدان احترام می‌گذارد که به‌وسیله آن انضباط و اطاعت مردم را نسبت به‌خود جلب کند. مذهب از حکومت پشتیبانی می‌کرد و گاهی زمام حکومت را خود بدست می‌گرفت که به‌واسطه تسلط و اقتدار آن در مردم نفوذ نموده آنان را وادار به پیروی از افکار و عقاید خود بنماید» (همان، ۶۷۱).

اما در تاریخ اسلام برهه‌هایی نظیر حکومت پیامبر اسلام در مدینه و هم‌چنین حکومت علی ابن ابی طالب بر جهان اسلام وجود دارند که اگر چه در دورانی کوتاه و همراه محدودیت‌های فراوان از جمله جنگ‌های طولانی و وجود دشمنان داخلی و خارجی بودند، باز هم توانستند چهره حقیقی اسلام را به نمایش بگذارند. در این دوره‌ها رفتار حکومت با مردم همواره همراه با عدالت و مهرورزی و رعایت حقوق آنان بوده که در بسیاری از مستندات تاریخی موجود است. بنابراین اگر منتسکیو مبنای تحلیل خود از اسلام را با توجه به این دوره‌ها قرار می‌داد، به احتمال زیاد نظرات بسیار متفاوتی ارائه می‌نمود.

۶-۳- عدم تعهد و قضاوت جانبدارانه

منتسکیو از جمله اندیشمندانی است که از آشکار نمودن علقه‌های دینی خود و هم چنین دفاع از آنها همچنانی که در قسمت‌هایی از آثار خود بیان داشته، ابائی ندارد. او در قسمتی از کتاب روح القوانین هنگامی که راجع به جایگاه مسایل سیاسی نسبت به ادیان سخن می‌گوید، می‌آورد: «چیزی بالاتر از معتقدات مذهب مسیح نیست لیکن این مذهب که برای نزدیک کردن مردم به یکدیگر و تولید محبت در دلها از آسمان نازل شده، مایل است مردم بعد از معتقدات مذهبی بهترین اصول و قوانین سیاسی را داشته باشند که در سایه آن بتوانند به راحتی زندگی کنند» (همان، ۶۶۷).

او همچنین در جایی دیگر در انتقاد به اظهارات بیل می‌گوید: «آقای بیل پس از اینکه به تمام ادیان ناسزا می‌گوید دیانت مسیح را نیز مورد سرزنش قرار می‌دهد و می‌گوید مسیحیان حقیقی و آنهایی که واقعا دارای این دیانت هستند قادر به تشکیل دولتی که بتواند دوام نماید، نمی‌باشند. این چه عقیده‌ای است؟ برای چه مسیحیان نمی‌توانند دولتی تشکیل داده و آنرا اداره کنند؟ در صورتی که آنها کسانی هستند که وظایف خود را خوب می‌شناسند و با کمال جدیت این وظائف را انجام می‌دهند و به حقوق دفاع طبیعی از کشور آشنا و به نسبتی که بیشتر به مذهب ایمان داشته باشند به همان نسبت علاقه آنها به میهن زیادتر است» (همان، ۶۷۴). همچنین شاهنیانس و زیار (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «آیا منتسکیو نویسنده‌ای متعهد است؟» آورده‌اند: «آثار منتسکیو منعکس کننده حقیقت نیستند. چه در سفرنامه نویسی، در نامه‌های ایرانی، که حاوی ذهن باوری او در تاریخ است و چه در روح القوانین که حاوی تاریخ باوری اوست. تعهد در نوشتار منتسکیو، با آنکه برخی او را نویسنده‌ای متعهد شمرده‌اند، سؤال برانگیز است. نتیجه عبارت از این است که: آثار منتسکیو در بیان حقیقت خلاف واقع است» (شاهنیانس و زیار، ۱۰۷: ۱۳۹۷).

با توجه به این پژوهش‌ها و هم چنین اظهارات منتسکیو در آثارش نمی‌توان او را نویسنده‌ای متعهد و بدون قضاوت ارزشی در آثارش دانست و همواره علاقه به دین مسیحیت و جانبداری از آن در کتب او مشهود است. دیدگاه وی فارغ از آموزه‌های دینی و مذهبی است و تنها به بعد اجتماعی و دنیوی امور پرداخته است. این دیدگاه با

غفلت از پرداختن به امور دینی و مذهبی، تک بعدی و سطحی نگر است.

۴-۶- عدم شناخت صحیح شرق

شناخت ناقص و نادرست از جوامع شرقی در آثار منتسکیو در موارد متعددی به چشم می خورد. از جمله علل اصلی این موضوع اتکای بیش از حد او به سفرنامه افرادی مانند تاورنیه و شاردن و عدم شناخت میدانی و نزدیک او از جوامع شرقی است. در همین رابطه هاشمی در مقاله‌ای با عنوان ایران در نامه‌های ایرانی منتسکیو بیان می کند:

«اطلاعات او درباره شرق محدود به آثار مورخان و سیاحان غربی و یونانی بوده، بنابراین شناخت او از ایران نیز بسیار سطحی و کم عمق بود. در باره احوال و آداب ایرانی، صرفاً بر سیاحت نامه‌هایی که راه مبالغه را - پیموده‌اند و اخبار مشهور در میان عوام و خواص را منعکس کرده‌اند، اکتفا نموده است. آنچه که در این بین برایش مهم بوده اثبات اصول تفکر سیاسی و اجتماعی خویش بوده است» (هاشمی، ۱۳۸۴)

عشقی در پژوهش خود به چند نمونه از اشتباهات او در رابطه با جوامع شرقی اشاره کرده است: استفاده از نام‌های تاتاری در رمان هزار و یک شب (ربکا و ازبک و...) به جای نام‌های ایرانی، اشتباه کردن در معادل سازی تاریخ میلادی و هجری و شمسی، اشتباه گرفتن حضرت علی علیه السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله به عنوان پیامبر (نامه ۳۴)، قانون چهار همسری را برای ازدیاد جمعیت مفید می داند در حالی که وجود حرم سرا را منسوخ و غیر اخلاقی می داند (عشقی، ۱۳۸۹).

این موارد بیان گر این است که منتسکیو شناخت دقیقی از جوامع شرقی نداشته و این موضوع می توانسته قضاوت‌ها و داوری‌های او را در رابطه جوامع شرقی و آداب رسوم و ادیان آنان از جمله اسلام دچار خدشه نماید.

۵-۶- نظریه استبداد شرقی

یکی از آرای مخصوص مورخان و فیلسوفان غربی که در آثار آنها آمده است نظریه استبداد شرقی به معنی مترقی بودن تمدن غربی در مقابل بربریت و وحشی انگاری تمدن شرقی است. به عبارت دیگر در این نظریه تمدن غربی، تمدن عالی و متکامل در

برابر سایر تمدن هاست. بر طبق این نظریه استبداد شرقی بر احساس حیوانی در برابر خطر یعنی ترس و استبداد غربی بر خرد و منطق انسانی استوار است! بر همین مبناست که آنها استبداد غربی را منور و استبداد شرقی را تاریک و موحش خطاب می کنند (هاشمی، ۱۳۸۴).

استبداد شرقی از خصایص ذاتی تمدنی شرقی و سیاست همیشگی آنان است. از آغاز برخورد تمدن‌های شرقی و غربی نوعی برخورد ایدئولوژیک و همراه با سوگیری و دشمنی که موجب شناخت نادرست آنان از یکدیگر می گردید شکل گرفت. عدم گفتگو و نگاه خصمانه در میان آنان از اصلی ترین عوامل شکل دهنده این موضوع بود. نگاه تحقیر آمیز به شرق در میان بسیاری از آثار شرق شناسان به چشم می خورد و سیاحان غربی در ابتدا بیشتر به دنبال تجارت و کسب سود از جوامع شرقی بودند تا تحقیق و پژوهش؛ برای مثال می توان به شاردن سیاح عصر صفوی اشاره کرد.

چنین به نظر می رسد که این شرق شناسی ها یا به عبارت درست تر شرق سازی‌ها ریشه در وقایع تاریخی داشته است. جنگ‌های صلیبی و تسلط امپراتوری عثمانی بر قسمت‌های زیادی از اروپا و فروپاشی امپراتوری بیزانس از جمله این وقایع به‌شمار می رود. تمامی این مسائل در کنار خطبه‌های کلیسایی و نظریه‌های شرق شناسی موجب تیره و تار شدن بیشتر جوامع شرقی در نظر غربیان می شود.

از لحاظ تاریخی شالوده نظریه استبداد شرقی به هردوت و آثارش باز می گردد. این نظریه در دوران جنگ‌های صلیبی و برتری امپراتوری عثمانی بر اروپاییان آشکارتر بیان شد و در دوران بعد از رنسانس به صورت نظریه‌ای رسمی درآمد. در قرون شانزدهم و هفدهم سیاحان و گردشگران اروپایی زیربنای دولت‌های شرقی را استبدادی تصور می کردند و این استبداد را فراگیرتر و وسیع تر از استبداد غربی می دانستند.

منتسکیو اهمیت زیادی برای نظریه استبداد شرقی قائل بود. او جوامع شرقی و اسلامی را همواره استبداد زده و عقب مانده می دانست در صورتی که جوامع مسیحی اروپایی علی الخصوص مسیحی پروتستانی را از این استبدادزدگی مبرا می دانست. در پیوند با نظریه استبداد شرقی نظریات جدیدتری در دوران مدرن در رابطه با جوامع شرقی بیان شد که هر چند ادعای آنها تحلیل و بررسی جوامع شرقی بود اما در عمل

محملی برای انکار کامل فضایل جومع شرقی و بیان برتری جوامع غربی بر آنها و در راستای اهداف سیاسی غربی‌ها بود. این مسأله هنگامی که منتسکیو و بسیاری از معاصران او در رابطه با تناسب استبداد غربی با روحيات و طبيعت اروپاييان سخن می‌گویند، بیشتر رخ می‌نماید.

دولت‌های اروپایی هم عصر منتسکیو به عنوان حکومت‌های برخواسته از دین مسیحیت و نمایندگان کلیسا در ظلم و ستم و استبداد کمتر از سایر دولت‌های اروپایی و یا حکومت‌های اسلامی هم دوره آنان نبودند. اما همواره منتسکیو و همفکران او تلاش داشتند که این رفتارهای ناپسند را به ادیان و طبیعت شرقیان منتسب بدانند. البته در این موضوع شکی نیست که دین اسلام و مسیحیت به‌عنوان ادیان الهی همواره مبرا از این گونه از ظلم و ستم‌ها بوده‌اند و رفتار حکام این دولت‌ها را باید صرفاً به خود آنها نسبت داد.

نتیجه‌گیری

منتسکیو در کتاب روح القوانین خود کارکردهای اجتماعی فراوانی را برای ادیان بر می‌شمارد که محقق در پژوهش حاضر سعی نموده این کارکردها را با رویکردی انتقادی مورد بررسی قرار دهد.

منتسکیو در تحلیل خود انتفاع اجتماع از دین، آن هم از نوع مادی را ملاک برتری ادیان بر یکدیگر می‌داند. به عبارت دیگر او احکام و توصیه‌های ادیان را صرفاً با سنجه کارکرد اجتماعی آنها بررسی می‌نماید. این رویکرد منتسکیو انتقاداتی از جمله تقلیل‌گرایی و ابزارنگاری دین را به همراه می‌آورد. هم‌چنین هنگامی که از دین اسلام و نقایص آن سخن به میان می‌آورد، به‌نظر می‌رسد که منتسکیو رفتارهای نادرست مسلمانان علی‌الخصوص حکام ظالمی که در تاریخ اسلام بوده‌اند را ملاک شناخت خود قرار داده است. این موضوع سبب می‌گردد که تحلیل او به دور از واقعیات باشد. هم‌چنین علقه او به دین مسیحیت سبب شده که تحلیل‌های او در بعضی از موارد جانب‌دارانه و همراه با سوگیری به‌نظر برسد. بنابراین به نظر نگارنده، منتسکیو توانسته آن‌گونه که شایسته است، تبیینی صحیح و مبتنی بر واقعیت از کارکردهای اجتماعی ادیان ارائه دهد.

کتاب‌نامه

۲۰۹

تحلیل انتقادی کارکردهای اجتماعی دین از دیدگاه...

۱. اسدیان، احمد، تحولات تفکیک قوا، تهران، چاپ سوم، انتشارات مجد، ۱۳۹۵.
۲. اسکید مور، ویلیام، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، جمعی از مترجمان، تهران، نشر سفید، ۱۳۹۲.
۳. بخشایشی اردستانی، احمد، سیر تاریخی اندیشه‌های سیاسی در غرب (از افلاطون تا نیچه)، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۴. توسلی، غلام عباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۵.
۵. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۷۳.
۶. دورکیم، امیل، صور بنیانی حیان دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران، چاپ اول، نشر مرکز، ۱۳۸۳.
۷. رابرت ا. هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۸. شاهینانس، آیدا، زیار، محمد، «منتسکیو نویسنده‌ای متعهد است؟» پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال هشتم، شماره دوم، ۱۳۹۷.
۹. عشقی، فاطمه، «آموزش‌های انسان‌گرایانه در رمان "نامه‌های ایرانی" منتسکیو - شاهکار قرن (۱۸)»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۵۱، زمستان ۱۳۸۹.
۱۰. علیزاده، بیوک، حیات تعقلی اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۱. مرکز مال‌میری، احمد، حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، تهران، چاپ سوم، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۳. مطهری خواه، ذبیح، «کارکرد فردی و اجتماعی دین از دیدگاه ابن سینا»، مجله علمی فلسفه دین، سال دوازدهم، شماره ۴، صص ۷۹۵-۸۳۰، ۱۳۹۴.
۱۴. مقیمی، سعید، «تأثیر مؤلفه‌های فلسفی عصر روشن‌یابی بر الگوهای قدرت سیاسی»، مجله علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، شماره ۶، ص ۱۰۹، ۱۳۸۶.
۱۵. منتسکیو، بارون، روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۲۲.
۱۶. هاشمی، بهزاد، «ایران در نامه‌های ایرانی منتسکیو»، زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاداراک، ۱۳۸۴، شماره ۴، ۱۳۸۴.
۱۷. همیلتون، ملکلم، جامع‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران، تیان، ۱۳۸۱.
۱۸. یاسپرس، کارل، اسپینوزا: فلسفه، الهیات و سیاست، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵.
19. Durkheim, Emile. The Dualism of Human Nature and its Social Condition, New York, Berghahn Books.2005.
20. Freud, Sigmund & Strachey, James. future of an illusion, New York, Norton. 1989.
21. Marx, karl ، Critique of Hegel's Philosophy of Right, Cambridge, Cambridge University Press .2009
22. Ritzer, George .sociological theory, California, sage publishing .2017.